

انفجار مقر گارد دانشگاه صنعتی



پیام به دانشجویان مبارز درباره مبرم ترین وظایف کنونی جنبش دانشجویی

4

تکثیر از انجمن دانشجویان و محصلین ایرانی بوخوم - د ورتموند
(عضو کنفدراسیون جهانی)

کشف راسیون جهانی بمتابه سازمانی د مکرانیک و ضد امپریالیستی در خارج از کشور دارای د و وظیفه اساسی است (علاوه بر وظائف دیگر) :

۱ - بالا بردن سطح آگاهی دانشجویان خارج از کشور بمنظور پشتیبانی و شرکت در مبارزات خلق ایران .

۲ - تبلیغ مبارزات مردم و افشای ماهیت جنایتکار و وابسته به امپریالیسم رژیم شاه در میان افکار عمومی جهان .

بخاطر احساس مسئولیت در قبال این وظائف سازمان ما از چندی پیش اقدام به ترجمه و انتشار تحلیلهای سازمانهای چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق ایران نمودیم . برای انجام وظائف ذکر شده انتشار و تکثیر و ترجمه نوشتجات سازمانهای رزمنده خلق اهمیت بسزائی دارند زیرا تحلیلهای اعلامیهها ، دفاعیات و . . . سازمانهای چریکی و مبارزین انقلابی بهترین نحوی بازگو کننده شرایط عینی جامعه ایران و ماهیت واقعی رژیم میباشند .

جزوه حاضر (جزوات قبلی تحلیلهائی از سازمان چریکهای فدائی خلق ب زبان آلمانی) پیام سازمان مجاهدین به دانشجویان ایران در رابطه با انفجار مقر دانشگاه صنعتی می باشد . این جزوه حاوی تحلیلی از تاریخ مبارزات دانشجویان ایران ، رابطه آن با مبارزات مسلحانه و ره نمود هائی به جنبش دانشجویی است .

ما امید داریم با این جزوه و جزوات دیگر قدمی هر چند کوچک ولی مؤثر برای پشتیبانی از جنبش مسلحانه خلق ایران برداریم .

زنده باد جنبش مسلحانه خلق

انجمن دانشجویان و محصلین ایرانی بوخومدورتونند
(عضو کشف راسیون جهانی)

روی جنبش انقلابی خلق ایران قرار میدهند . سازمان ما بطریقه خود میداند در چنین شرایط بیش از پیش حساس و خطیری که مبارزات قشرها و طبقات مختلف علیه حاکمیت امریالیزم و نوکران دلال صفت داخلیشان اوج میگیرد ، تحلیل شخص و درستی از جنبش او بگیرند و دانشجویی برای کمک بفرستند آن بنماید .

مختصری از تاریخچه مبارزات دانشجویی ایران

مقدمه

جنبش دانشجویی و مبارزه عناصر روشنفکر دانشگاهی ، همواره از مشخصه‌های مبارزات چند دهه اخیر مردم ایران برخوردار بوده است . شرایط خفقان و دیکتاتوری پلیسی رژیم شاه خونخوار که بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد بر جامعه ما سایه افکند ، اشکال آگاهانه تر ، سیاسی تر سازمان یافته تری از مبارزه را ایجاد مینمود . عناصر روشنفکر انقلابی و بخصوص دانشجویان و روشنفکران مبارز دانشگاهها ، از اولین کسانی بودند که باین نیاز پاسخ مساعد دادند . این امر کاملاً طبیعی بود چرا که در شرایط دیکتاتوری و خفقان شدید پلیسی ، این

همزمان با اوجگیری مبارزات دانشجویی و سمت گیری مشخص سیاسی آن علیه دیکتاتوری پلیسی ستلای دست نشانده حاکم بر ایران و تأیید فصول جنبش مسلحانه که خود نشانه بلوغ سیاسی جنبش دانشجویی در ایران به شمار می‌رود ، یک واحد چریکی از سازمان مجاهدین خلق ایران در عملیات نفوذی خویش در نیمه شب ۳۱ فروردین ۵۳ موفق بکارگرداری بسبب تخریبی و نیرومندی در مقر کار دانشگاه صنعتی که مسود محافظت شدید امنیتی بود گردید . این بسبب ساعت ده پانزده و نوزست همزمان با شروع تظاهرات دانشجویان که بخاطر بزرگداشت سالگرد شهادت مجاهدین بسیجی باکری ، محمد بازرگانی ، ناصر صادقی ، علی مهرداد و ستار علی الهیچر منتظر حقیقی بر پا شده بود ، متفجر و خسارات قابل توجهی بسبب ساختمان کارد وارد آورد .

نیروهای کارد مزدور و وحشی شهرتانی که بسبب خالهر سرکوب جنبش دانشجویان بمیزان وسیعی در مقر کارد بسیج بودند سرچوچار آنچنان وحشتی شدند که اصولاً تشکل خویش را از دست داده و در پی فرماندهانشان وحشزده بگوشه‌های گریختند . علاوه براین آن بخش از نیروهای پلیس که در دانشگاه برای جلوگیری از گسترش تظاهرات متمرکز شده بودند ، بسرعت درهای ورود و خروج دانشگاه را بستند تا از تجمع بیشتر دانشجویان و اوج گرفتن تظاهرات مانع بعمل آورند .

این عدل که در رابطه مستقیم و مناسبت همبستگی جنبش انقلابی پیشتاز با مبارزات بهرمانانه دانشجویان صورت گرفت ، بی شک ابعاد جدیدی از رابطه فعال بین انقلاب مسلحانه و مبارزات دانشجویی را پیش

روشنفکران انقلابی هستند که میتوانند بسد آگاهی سیاسی و مسلح بودن با ابزار شناسایی علمی با شکل مخفی و سازمان یافته مبارزه دست یافته و وظیفه آگاه کردن خلق و افشا ماهیت ضد خلقی دشمن را به انجام رسانند. از اینرو دانشگاهها و مدارس علمی که بزرگترین مظهر و زادگاه این روشنفکران در ایران بشمار میروند، پررنگ مبارزه ضد استعماری - ضد سلطنتی خود را برافراشتند. بی جهت نیست که ما بلافاصله بعد از کودتا و حاکمیت ارتجاع مزدور و دست نشانده پهلوی شاهد اصیلترین و عمیق ترین جنبشهای دانشجویی هستیم. اشاره باصالت و عمق این جنبش بخصوص از این نظر اهمیت دارد که ثورسینهای خود فروخته بورژوازی و عمال پلیسی طبقه حاکمه همیشه خواستمانند با عنوان کردن اراجیفی از قبیل "هیجانان دوران جوانی و روح سرکش و ناآرام جوانان" و "پسا گرایش جهانی جوانان بیست و نهم آتاریش گری (هیج و مرج طلایی)" "چپ خد هور..." ماهیت اصیل و عمیق

(*) البته زمینه های تاریخی جنبش دانشجویی را میتوان در تظاهرات سالانه دانشجویان در مبارزات احزاب ملی سالهای بعد از جنگ، در حمایت و پشتیبانی از نهضت ملی کردن نفت و پشتیبانی و شرکت فعال در قیام خونین ۳۰ تیر نیز بخوبی مشاهده نمود بطوریکه با تکیه وجود چنین ریشه هائیکه جنبش دانشجویی میتواند بلافاصله بعد از سرکوب نیروهای ملی در ۲۸ مرداد و فقط چهار روزه بعد از آن (۶ آذر ۳۲) اولین عکس العمل مبارزه جویانه خود را بروز دهد اما مراد ما در اینجا فقط بررسی کوتاه تاریخچه این جنبش بعد از سالهای ۲۰ است که جنبش دانشجویی بعلت سلطه مجدد دیکتاتوری و اختناق پلیسی مضمون اساسی و شکل ویژه خود را در تاریخ مبارزات مردم ما احراز میکند.

جنبشهای دانشجویی ایران را که دارای جهت مشخص ضد سلطنتی - ضد امپریالیستی بوده و متکی به انگیزه های عمیق انقلابی و تاریخ پر افتخار مبارزات مردم خویش است برده پوشی نماید. بهر حال تظاهرات و مقاومتهای دلیرانه دانشجویان در ۶ آذر ماه ۳۲ یعنی فقط چهار ماه بعد از سلطه رژیم دیکتاتوری - فاشیستی شاه (۲۸ مرداد همانسال) پر مخالفت با سفر توطئه آمیز نیکسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا و همچنین اعتراض باقتتاح مجدد سفارت انگلیس را میتوان اولین موج از سلسله امواج پسر توان نهضت دانشجویی بشمار آورد (*). بخون پاک و جوشان سه دانشجوی قهرمان، شریعت رضوی و عزیز کزلی و... که در این روز بدست جلادان خونخوار رژیم شاه ریخته میشود، همچنان الهام بخش مبارزات دانشجویی سالهای بعد ایران میگردد و تشکیل اولین جنبش و تداوم ضد خلقی آن در این سالها (سال ۳۵) نمیتواند از تداوم مبارزات دانشجویی این دوره جسلو گیری نماید. مقاومتها و اعتراضات روشنگران و افشاگرانانه دانشجویان بخصوص طی سالهای ۴۰ از جمله:

۱- اعتراضات ۱۵ بهمن ۳۹ علیه انتخابات قلابی شاه پشتیبانی از تظاهرات مسلمانان در ۲۲ آذر بهیشت
۲- که بشهادت دکتر خانعلی انجامید و تظاهرات پر شور دانشجویان دانشگاه تهران و دانش آموزان مبارز دبیرستانها از جمله دبیرستانهای دارالفنون و علمیه مروی در بهمن ۴۰ که مهدی کهر از مدرسه علمیه تهران در آن بشهادت میرسد و بالاخره جنبشهای متوالی سال ۴۱ که در بهمن همانسال بتظاهرات وسیع دانشجویی علیه "فراندم فریبکارانه شاه میانجامد همگی از مضمون مشخص سیاسی برخوردار بوده و موضع انقلابی و افشاگرانانه آنان را در برابر توطئه جدیدی که از طرف امپریالیزم آمریکا تحت عنوان "انقلاب سفید"

در شرف تکوین بود نشان میدهند .

سرکوب خونین مردم قهرمان ما در ۱۵ خرداد ۴۲ و کشتار بهترین جوانان میهنمان توسط نیروهای امنیتی و نظامی شاه خائن از جمله کشتار دانشجویانی که فعالانه جنبش خلق پیوسته بودند بازهم نتوانست حرکت فزاینده مبارزات دانشجویی را متوقف سازد . بطوریکه در بهمن ماه ۴۵ فقط بعد از یک دوره رکود سه ساله اعتصابات موسوم به "اعتصابات شهریه" در دانشگاه تهران ، خیزش مجدد این مبارزها در سراسر دانشگاهها اعلام میکند . ایندور مبارزات دانشجویی که از سال ۴۵-۴۶ آغاز میشود ، بعلاوه شرایط پیش از پیش خفقان آور محیط و همچنین روشن شدن ماهیت ضد خلقی برنامه های باصلاح اصلاحی رژیم و فشار استثمار وحشیانه ای که بورژوازی وابسته با مهربانان بر طبقات و اقشار زحمتکش خلق وارد مینماید ، امکان یافت گشته :

اولا - شمارهای مبارزاتی خود را که از درخواستهای صنفی از قبیل "تحصیل مجانی و حذف شهریه" یا "برکباری رئیس دانشگاه" شروع شده بود ، بسرعت تا سطح شعارهای سیاسی - دانشجویی روزمانند "استقلال و آزادی سیاسی دانشگاهها" ، "حق مداخله و نظارت دانشجویان در انتخاب روسا و مدیران دانشکده ها" و بالاخره بسطح سیاسی ترین شعارهای ضد امپریالیستی "مرکز سوسیالیستی انقلاب" مستمره بودن بس است ، "دوستان در سایه انقلاب ! ناپود شدند" ارتقا دهد .

ثانیا - خود را در سطح دانشگاهها و مدارس عالی کشور سراسری نماید . در واقع این خصوصیت یعنی سیاسی تر شدن و سراسری گشتن جنبش دانشجویی خود نشانه آمادگی شرایط انقلابی و جزئی از موقعیت رو برشد جنبش انقلابی ایران بشمار می رود .

انتصاب شهریه که از دانشگاه تهران آغاز شده

بود با حمایت فعال دانشجویان سایر دانشگاهها از جمله دانشگاه تبریز و پلی تکنیک تهران روستوشه و بسرعت بیک جنبش سراسری البته باشعارهای مختلف تبدیل میشود که سراسر سال ۴۶ را در بر میگیرد .

تظاهرات پرشور چند ده هزار نفری دانشجویان و راهپیمایی پرشکوه آنان در همین سال در مراسم یادبود تختی ، قهرمان مبارز خلق - بلوغ مبارزات دانشجویی را تا حد همبستگی و قدرت تشکل قابل توجهی تثبیت میسازد . ازین هنگام به بعد ، جنبش دانشجویی ایران ، حتی یک لحظه هم از حرکت باز نمیایستد . اعتصابات بزرگ معروف به "اعتصاب اتوبوس" در اواخر سال ۴۸ ، تظاهرات وسیع ضد صهیونیستی که با اعلام همدردی و همبستگی مردم و دانشجویان با جنبش آزادیبخش فلسطین پیونام بود ، همچنین حمله دانشجویان بکانون دانشجویان وابسته بانجمن ایران و آمریکا ، اعتصابات سراسری سال ۴۹ از جمله اعتصابات آن راه مربوط به کشتن پاکفانس سرمایه گذاران آمریکائی در ایران . . . نقاط اوج پیرویه رشد مبارزات دانشجویی را طی سالهای ۴۵-۴۸ نشان میدهد . در اعتصابات و تظاهرات فعال سال ۴۸ که علیه گرانی بلیط اتوبوس صورت میگردد ، جنبش دانشجویی کاملا با آنی ترین و نزدیک ترین منافع مردم تماس برقرار کرده و بنیازه آنان میپوندد .

دانشجویان با انتخاب تاکتیک پر تحریک "تجمع - حمله" تفریق " که از قبل مورد توافق قرار گرفته بود ، پلیس را در نقاط مختلف شهر غافلگیر کرده و خیابانها را به صحنه مبارزه خشونت آمیز خود باز میچیند . مردم بحمايت از فرزندان خود بر میخیزند و رژیم شاه وحشتزده در مقابل چنین اتحادی عقب مینشیند و مبارزه مردم بیپوزی میرسد . همجا در اغلب محافل مردمی در مدارس جنوب شهر ، در قهوه خانه ها ، در خانه های تنگ و منجوه جنوب شهر ، در کودها و سر کوره های

و اعمال سیاست ارباب و وحشت در دانشگاهها .
 برنامه های باصطلاح "تامین رفاه دانشجویان"
 بورسها و کمکهای مالی و صندوقهای وام دانشجویی در
 کنار بیرحمانهترین سرکوب و خفقان پلیسی ، در کنار
 استقرار تدریجی کلرد وحشی شهرمانی در دانشگاه
 سازمان داده شدند . بورژوازی وابسته و در رأس آن
 رژیم شاه مزدور میخواست دانشجویان را برسریک دو
 راهی "سازش یا نابودی" قرار دهد . یا بخند دست
 سرمایه‌داری در آمده نیرو و فکر خود را در اختیار
 مزدوران غارتگر جهانی قرار دهند و ازین راهریزخوار
 خوان استثمار سرمایه‌داری گردند و یا در مقابل
 وحشیانه ترین سرکوب خونین پلیسی و شدیدترین
 خشونت ضد انقلابی بورژوازی قرار گیرند .

در واقع سرمایه داری در حالیکه در دستی سکه
 پول و در دست دیگر چماق سرکوب خونین خویش را
 تکان میدهد ، در مقابل دانشجویان مبارزه و قهرمان
 ما ظاهر شد . اما جزعه معدودی از باصطلاح
 روشنفکران و تحصیلکردگانی که با پشت کردن بمردم
 زحمتکش خود ، نوکر صفات خود را بیهای زندگی تبعوع
 آور خرده بورژوازی که سرمایه داری خونخوار از نمره
 استثمار ملیونها خلق زحمتکش برایشان فراهم کرده
 بود ، فروختند اکثریت عظیم دانشجویان و روشنفکران
 ما با اوچ دادن مبارزه شرافتمندانه خود ، با سیاسی
 تر کردن هرچه بیشتر جنبش انقلابی خویش ، مست
 محکی بدهان شاه و رژیم مزدور و دست نشانده اش
 کوبیدند .

واپسته متقابل جنبش دانشجویی

مبارزه مسلحانه خلق ما

بدین ترتیب جنبش دانشجویی با مردم شکست

آهک پزی ، صحبت از مبارزه پر شور دانشجویان بنفع
 مردم زحمتکش و رنج دیده وطن ماست . یکبار دیگر
 مردم جنوب شهر ، خاطره دانشجویانی را بیاد میآورند
 که در بهار ، بساختن نهر فیروز آباد برای کمک به
 خانواده های سیل زده پرداخته بودند . آنان کنگ
 بدست تا زانو در لجنهای نهر فرو میرفتند تا بار دیگر
 ماهیت ضد خلق و دشمنی رژیم مزدور شاه را با مردم
 زحمتکش وطن ما افشا کنند .

اوجگیری مبارزات دانشجویی

و برنامه های امپریالیستی رژیم شاه در دانشگاهها

همزمان با اوجگیری مبارزات دانشجویی و پیدایش
 گروهها و هستههایی که اشکال مخفی و سازمان یافته
 کار را پذیرفته و عمدتاً در جهت تدارک مبارزه مسلحانه
 قرار گرفته بودند ، طراحان مزدور سیاست ارتجاعی
 طبقه حاکم ایران نیز توطئه جدیدی را تحت عنوان
 "انقلاب آموزشی" طرحریزی کردند که عمدتاً بعد از
 اجتماع سردمداران خائن ارتجاع حاکم ایران و در رأس
 آن شاه در رأس مرحله اجرا درآمد .
 در واقع هدف اصلی "انقلاب آموزشی" مبعسارت
 بود از تغییر سیستم آموزشی کشور در جهت ساختن
 کادر فنی - اداری و برای سرمایه داری وابسته و رو به
 رشد ایران و همچنین سرکوب جنبش دانشجویی .
 بدین منظور رژیم بدو اقدام مهم و فوری دست
 دست زد :

۱- وابسته ساختن دانشجویان بزندگی مصرف و تلافیه
 فرهنگ امپریالیستی و فساد در بین آنها و نتجتاً
 تبدیل آنها بمره های مامین سرمایه داری .
 ۲- ایجاد فشار و اختناق بیشتر پلیسی توسط استقرار کار
 شهرمانی در دانشگاه ، دستگیریهای وسیع دانشجویی

نوطه های جدید رژیم تحت تاثیر جنبش مسلحانه نوپای ایران، وارد درک نقطه تحول کیفی جدید می شود. مضمون اساسی این تحول عبارتست از ارتباط فعال جنبش دانشجویی با جنبش مسلحانه پیشتر و نزدیکی آن با جنبشهای توده ای.

در واقع این تاثیر پذیری و ارتباط فعال بدلیل رشته های متعددی که جنبش مسلحانه پیشتر را به جنبش دانشجویی پیوند میدهد، کاملاً طبیعی و قابل توجه بنظر میرسد. جنبش مسلحانه ایران که نتیجه تکامل مبارزات طولانی خلق ما و مبتنی بر تجارب تاریخی حاصل از آنت و میایست - و این طبیعی بود - که رابطه مشخص و فعالی با جنبش دانشجویی ایران بمنوان جزئی از پراتیک مبارزه اجتماعی همین مردم برقرار کند.

تجربه صادترین عناصر دانشجویی در پراتیک مبارزات دانشجویی نیز استراتژی مبارزه مسلحانه را به عنوان تئوری که قوانین حاکم بر واقعات اجتماعی ما را توانسته است بدراستی منعکس سازد، تأیید می نمود. به این معنی که بازتاب شرایط اجتماعی در زندگی و روابط اجتماعی این قشر و انعکاس آن در محیط دستگاه، یعنی بازتاب دیکتاتوری و سرکوب و حشمانه پلیسی و استعمار و ستم بیحد طبقاتی و همچنین تاریخ مبارزاتی او، همگی عواملی بودند که پشتوانه عینی را برای صحت این نظریات، ارائه میدادند.

ازین جاست که جنبش دانشجویی هرچه بیشتر حول مبارزه مسلحانه و حمایت از پیشتران مسلح خلق سازمان میابد. روشنفکران انقلابی و دانشجویان مبارز عالیترین خواستها و آرمانهای انقلابی خویش را در وجود سازمانهای چریکی پیشتر تجلی میکنند و عملیات چریکی این سازمانها با پشتیبانی فعال مبارزین دانشگاهها حمایت میشود. تظاهرات پرشکوه اردیبهشت ماه، بخاطر بزرگداشت شهیدای قهرمان

جنگ و بخون کشیده شدن کارگران زحمتکش جهان چیت و تظاهرات فعال دانشجویان در بازار تهران در اسفند، و اعتصابات سراسری دانشگاهها در اواخر سال ۵۱، همگی پشتیبانی از هدفهای نهضت مسلحانه و در رابطه فعال با هدفهای آن صورت میگیرد.

متقابلاً جنبش مسلحانه نیز با تبلیغ مسلحانه خود با روشن کردن ابهامات سیاسی - استراتژیک موجود توسط این تبلیغ، موجبات رشد و گسترش جنبشهای طبقات مختلف خلقی و بخصوص موجبات رشد و گسترش جنبش دانشجویی و آزاد کردن نیروهای نهفته در آن را فراهم میآورد.

هنگامیکه عملیات وسیع ضد آمریکائی از جمله اقدام ژنرال پرایس سر مستشار نیروی هوایی امپریالیستهای آمریکائی در ایران بمنوان مخالفت و اعتراض خلق ما از طرف سازمان مجاهدین خلق صورت میگیرد و متقابلاً دانشجویان با تظاهرات پرشور و مخالفتی شدید خود و سنگباران اتومبیل حامل نیکسون و ششاه جنایتکار از این عمل پیشتر حمایت میکنند و با همینطور وقتی سرتیب طاهری فرمانده گارد ضد اقتتاش رژیم و جلاد خونخواری که سالها رهبری طغیان سرکوب دانشجویان را بنهفته داشت توسط مجاهدین خلق اقدام میگرد (شهریور ۵۱)، جلوه های روشن این همکاری، اتحاد و ارتباط متقابل و فعال بین نهضت دانشجویی و جنبش مسلحانه پیشتر بنمایش درمیآید. دانشگاهها و مدارس عالی که بحق سنگر مبارزه ضد امپریالیستی - ضد دیکتاتوری شناخته شده اند بیش از پیش بکمک پرورش مبارزین و کانسون کسب تجربه و بینش سیاسی تبدیل میشوند.

اصول کار مخفی بسرعت بدین جنبش دانشجویی راه پیدا میکند و بررر اشکال مخفی کار در محیط دانشگاهها با کار غلنی تلفیق پیدا میکند. بسیاری

دلبرانهایکه علیه وحشیگرهای پلیس و کشتار وحشیانه انقلابیون ابراز نموده بودند، چند تن ازین مبارزین قهرمان بدست پلیس کشته میشوند. در همین زمان در اعتصابات دانشگاههای اصفهان و جندی شاهیور خون پاک چندین دختر و پسر مبارز دانشجوی بدست مزدوران شاه خائن بزمین ریخته میشود. هماهنگی جنبش دانشجویی با مبارزه مسلحانه ابعاد جدیدتری مییابد. این مبارزات میتواند همدردی کامل مردم و بخصوص روشنفکران و تودههای زحمتکش شهری را به خود جلب کند. و بکارگران ستمدیده امکان دهد که مبارزه برحق انقلابیون و دانشجویان را در راه آزادی خلق بهتر درک کنند. بطوریکه کارگران ماشین سازی تبریز در اعتصابات پرتوان خویش فریاد "زنده باد دانشجوی" سر میدهند و با محکوم کردن فبیایج رژیم در دانشگاهها توطئه رژیم را برای ایجاد جدایی بین انقلابیون و زحمتکشان نقش برآب مینمایند.

جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور با بهره گیری از دانش انقلابی و گسترش آن در سطح عناصر دانشجویی و باعتبار رشد شرایط مساعد انقلابی در ایران و تاثیرات فراوانیکه از جنبش انقلابی و جنبش دانشجویی داخل کشور سید یزدی با استفاده از شرایط غیر پلیسی با اتخاذ شیوههای گوناگون از قبیل:

تظاهرات علیه دیکتاتوری سیاه پهلوی هنگام سفر شاه جنایتکار بخراسان، حمله بسفارتخانههای ایران، تظاهرات و اعتصابها بعنوان اعتراض بجنایات رژیم و حمایت از زندانیان سیاسی و انتشار جزوات افشاگرانه و... هرچه پیشتر ماهیت جنایتکارانه رژیم پلیسی شاه را در سطح بین المللی افشا میکند. (*)

(*) بررسی کامل جنبش دانشجویی خارج از کشور نیاز بتحلیل گستردهتری دارد که آنرا بوقت مناسب

درگیری موقوف میکنیم.

از عناصر صادق دانشجویی بکار مخفی رزی میآورند و در مصظهای کوچک سیاسی - مخفی و گناه حتی نظامی و متشکل میشوند. بدین ترتیب مستعدترین و صادقترین آنان امکان مییابند که در عبور از پیروسه مبارزات دانشجویی و آبدیده شدن در پرتیک خاص این جنبش، سطح سیاسی مبارزه خود را ارتقا داده آماده ایفای نقش اصلی و اساسی خود بعنوان پیشتاز مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم مزدور حاکم گردند.

چنین حرکتی جنبش دانشجویی را بصورت اولین منبع تغذیه سازمانهای چریکی پیشتاز در میآورد.

رشد تفکرات انقلابی و اوچگیری مبارزات دانشجویی در دانشگاهها، رژیم شاه خائن و طراحان مزدور سیاست امنیتی اش را شدیداً بوحشت میاندازد بدین جهت بارها و بارها دانشگاهها و دانشجویان مبارز را مورد حمله و بورش وحشیانه خود قرار میدهند.

گارد وحشی شهرستانی (گارد دانشگاه) برای سرکوب آشکار و کینه مشترک ساواک - شهرستانی (که هدف اساسی آن خفه کردن جنبش مسلحانه میباشد) برای سرکوب پنهانی و نابود کردن هستههای متشکل دانشجویی بیش از پیش از انواع شیوه های امرپنسی و وسائل حیوانی آزار و شکنجه استفاده میکند.

بسیاری از دانشجویان مبارز در جریان هجومهای سراسری پلیس باسارت میافتند و مدتها در دخمههای جلادان شاه زیر شکنجه های مرگبار قرار میگیرند.

شهید خلیل طباطبائی از دانشگاه صنعتی، شهید سید رضا دیباج از دانشگاه شیراز و شهید جواد ضیاالحق از دانشگاه قزوین که بجرم ارتباط بسا سازمان مجاهدین خلق و بخش جزوات و نشریات آن باسارت درآمده بودند زیر شکنجه های وحشیانه ساواک و اطلاعات شهرستانی بهسارت میرسند.

در اسفندماه ۵۱ در تظاهرات پشتیبانی دانشجویان مبارز تبریز از جنبش مسلحانه و اعتراضات

نتیجه اینکه اول جنبش سلحانه موفق میشود :

۱- این بحث سیاسی - استراتژیک موجود را باز کرده راه
انقلاب و تکامل مبارزه اجتماعی ایران ، از جمله راه رشد
و تکامل جنبش دانشجویی را حول محور مبارزه
سلحانه نشان دهد .

۲- شیوه های عملی نوین تر ، سازمان یافته تر و
شماره های سیاسی تر مبارزاتی را پیش پای جنبش
دانشجویی قرار دهد .

۳- با مر تلفیق کار عملی و کار مخفی کمک نماید .

۴- تشکل گروه های سیاسی - مخفی یا همنه های
کوچک سیاسی - مخفی دانشجویی را موجب شود .

ثانیا متقابلا جنبش دانشجویی موفق میشود :

- ۱- هنگام با اوجگیری مبارزه خلق ما ، مبارزه خود را
تکامل داده (سیاسی تر شدن ، سراسری شدن ، به
تکامل پیچیده تری رسیدن) و نشان دهد که میتواند
بنیازهای انقلاب ، شرایط بسیار متحول روز پاسخ
مناسب دهد .
- ۲- با پشتیبانی فعال سیاسی و سازمانی خود یعنی
با حمایت از آرمانها و خواسته های انقلابی پیشتازان
خلق و پیوستن به مبارزه آنان ، اولین جبهه پشتیبان
جنبش سلحانه را وسیعاً باز کرده و در رابطه فعال
با آن قرار گیرد .

وظایف فوری جنبش دانشجویی

در این مرحله

دانشجویان و روشنفکران مبارز !

در شرایطی از حاکمیت سياهترین دیکتاتورهای
پلیسی - نظامی وجود شد بدترین نوع روابسط
استعماری که توسط امپریالیسم و مزدوران دست
نشانده داخلی ، شاه و طبقه حاکمه در مبین مسا
اعمال شده است وظایف ویژه و خاصی در برابر شما

اکنون درست بهمه این دلایل است که سرمایه داری

عناصر آگاه خلق بعنوان کمانیبه آگاهی شان محصول
کار و زحمت میلیونها انسان زنجیده و زحمتکش وطن
مامت ، قرار میگردد . بخصوص تاریخ پر افتخار
مبارزات مردم ما از جمله سنن مبارزاتی خود شما ،
بخوبی نشان میدهند که بدلیل شرایط خاص میهنی
(دیکتاتوری ...) همواره بین هدفها و وظائف
جنبش دانشجویی و هدفها و وظائف مبارزات ضد
امپریالیسم خلق ارتباط ناگسستی وجود داشته
است . این ارتباط اکنون بدلیل ضرورت های بیش از
پیش گسترش یابنده های بسیار تکامل یافته تر از پیش
بین جنبش سلحانه و جنبش دانشجویی بوجوب
آورده است .

بطور کلی جنبش سلحانه پیشتاز تاکنون در راه

هدف های این مرحله از مبارزه اش یعنی : انتقال

آگاهی سیاسی توسط تبلیغ سلحانه بدرون توده مردم

افشای ماهیت ضد خلقی و ضربه پذیری دشمن اصلی

او و تثبیت مبارزه سلحانه بعنوان تنها راه رهائی

بخش خلق ، همچنین تشدید مبارزه طبقاتی توده های

زحمتکش خلق و تشکل آن حول محور مبارزه سلحانه

و ارتقاء مضمون سیاسی آن تا عالیترین سطح سیاسی

یعنی نابود کردن امپریالیسم و مزدوران استعمارگر

داخلی ... از حمایت بیدریخ اقتدار آگاه و

روشنفکران مبارز خلق برخوردار بوده است . بخصوص

جنبش دانشجویی تاکنون بمثابة اولین پله مبارزه

روشنفکران انقلابی بسم خود ، نقش با اهمیتی در

جهت نیل بچنین هدف های ایفا کرده است . بسیاری

از مبارزینی که اکنون سلاح بردوش بخاطر رهائی خلق

میچنگده خود از درون این جنبش بپا خاسته اند .

آنان اولین تجربیات انقلابی و اولین درس های سیاسی

- تشکیلی خود را از مکتب مبارزات دانشجویی

آرخه اند .

وظائفی که در مرحله کنونی از رشد و تکامل پیسارزه
بجمله این جنبش قرار میگیرد دارای اهمیت ویژه‌ای
میباشد .

این وظایف کدامند ؟

بنظر ما مهمترین وظیفه ای که در مقابل جنبش
دانشجویی قرار دارد در شمار ۳ بیشتر از پیش سیا-
سی شدن ، بیشتر از پیش متشکل شدن و بیشتر از پیش
سراسری شدن ۳ خلاصه میشود .

برای توضیح بیشتر میتوان گفت:

۱- معنای بیشتر از پیش سیاسی شدن عبارتست از:
ارتقا^۱ مداوم و منظم شعارها و درخواستهای صنفی -
سیاسی دانشجویی تا حد شعارها و درخواستهای
کاملا سیاسی ضد امپریالیستی - ضد سلطنتی - بدین
ترتیب جنبش دانشجویی با تکامل مضنون و محتوی
سیاسی خود ، زمینه کاملا^۲ مساعدتر پیوند سیاسی
خود را با جنبش مسلحانه و طبیعتا جنبش خلق
فراهم میسازد .

۲- معنای بیشتر از پیش متشکل شدن عبارتست از:
تشکل و سازمان یافتگی نیروهای مبارز دانشگاهی
حول هسته‌های سیاسی - مخفی دانشجویی . این
هسته‌ها از یکطرف جنبش دانشجویی را از صلابت و
استحکام سازمانی برخوردار کرده ، امکان تلفیق کار
علمی و مخفی را بوجود آورده و تداوم ، بقا و تکامل
جنبش را موجب میشوند و از طرف دیگر میتوانند زمینه
بسیار مساعد پیوند تشکلاتی جنبش دانشجویی را با
سازمانهای مسلح پیشنهاد فرام آورند .

۳- معنای بیشتر از پیش سراسری شدن اینست که:
بیشترین نیروهای دانشجویی در سراسر دانشگاههای
کشور ، تحت تاثیر پیشروترین عناصر مبارز آن محوزه عمل

دلال صفت و خونخوار ایران و در رأس آن شاه خائن
و دستگاههای مزدور اداری - صنعتی - فرهنگی و
پلیسی اثر می‌کنند که با شیوه های اهریمنی تهدید
و تطمیع ، روشنفکران و دانشجویان مبارز را از انجام
وظیفه تاریخی و ایضای نقش انقلابی خویش باز داشته
و آنان را از توده های عظیم مردم زحمتکش ایران جدا
نمایند . سرمایه‌داری همچنین با ایجاد موسسات
با اصطلاح تحقیقاتی یا علمی و یا حتی با فراهم کردن
زمینه برخی خرده کارهای با اصطلاح سیاسی یا بحث
و جدلهای بی ثمر و فرصت طلبانه در محافل و مجامع
با اصطلاح روشنفکری ، میخواهد در جبهه واحد
روشنفکران واقعی و متمهد شکاف انداخته و آنانرا
از جهنگیری علمی و ایضای بسست مبارزه اصیل و واقعی
بسست متشکل شدن حول محور مبارزه مسلحانه باز دارد .
لواگاهی اوقات حتی راههای ظاهرآمانه و بی
طرفانه‌ای را نیز پیشنهاد میکند . اما حقایق علمی
تاریخ ، قوانین خلل ناپذیر حرکت تکامل جامعه بما
میگوید که در شرایط سلطه امپریالیستی و اصولا در یک
جامعه طبقاتی ، بیطرفی و سکوت ، راه میانه و وسطی
وجود ندارد . یا باید با خلق بود و در راه آزادی او
کوشید و یا باید در استثمار و استثمار خلق شریک
شد و آلت دست مقاصد دشمنان خلق گردید .

دانشجویان قهرمان و روشنفکران مبارز !

شما با درک صیق این واقعیات ، با تکیه بر تاریخ
پر افتخار و سنن مبارزاتی مستحکم خود و با عزیمت
که در پشتیبانی فعال خود از جنبش مسلحانه خلق و
ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم مغرور شاه نشان
داد باید توانستاید توطئه‌های مزدوران ارتجاع
و دیکتاتوری را در سرکوب جنبش دانشجویی - روشنفکری
ایران با شکست رویو سازید . شما بخوبی میدانید
مبارزه خستگی ناپذیر و مقاومت دلیرانه شما ، جز لا ینک
مبارزه انقلابی خلق ما بشمار میرود . بهین دلیل

جنبش‌کنانده شوند. این امر جنبش‌دانشجویی اجازه میدهد که بایدها کردن پایگاههای متعدد دیگری در دانشگاهها و دانشگاههای سراسر کشور خود را تقویت کرده و مانع از خفته شدنش در یک نقطه گردد. در همین حال ضروریست که هسته‌های سیاسی مخفی با ایمن باصل وحدت همه نیروهای مبارز و مترقی برای حل تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد بین امپریالیزم و سرمایه‌داری وابسته و در رأس آن دربار از یکطرف و تمامی خلق از طرف دیگر تضادهای فرعی و غیراصولی را کنار گذاشته و بیش از پیش عناصر وحدت حول محور مبارزه مسلحانه و حول نابودی دیکتاتوری حاکم بر ایران و در نهایت نابودی امپریالیزم جهانی را در جنبش دانشجویی تقویت نموده و با استحکام رشته‌های پیوند خویش با یکدیگر زمینه‌ساز و بیشتر سراسری شدن جنبش دانشجویی را امکانپذیر سازد و نوطه‌های تفرقه افکانه رژیم شاه خائن را خنثی نمایند.

شیوه‌های مخفی کار

اولین قدم اجرایی در جهت رسیدن به هدف فوق عبارتست از تشکیل هسته‌های مخفی از آگاه‌ترین و مستعدترین دانشجویان در دانشگاهها و دانشگاهها این هستهها میباید بهرور و در زمان طولانی با رعایت کلیه اصول مخفی‌کاری و کمترین تماس و شناسائی ممکن در سطح دانشگاههای مختلف و آنگاه در زمان بساز هم طولانی تری یادقت و حوصله بیشتر در سطح وسیع دانشگاهها بهم مرتبط شوند.

وظایف این هستهها در مرحله اول عبارتست از:
 ۱- عداوت و سازمان دادن اعضا و تظاهرات دانشجویی بنسبتهای مختلف صنفی و سیاسی. این هستهها موظفند که عناصر مستعد برای کارطنی را در حول و حوش خود بنحو مقتضی سازمان داده و با رعایت اصول مخفی‌کاری در کارهای اجرایی از قبیل پخش

اعلامیه، تهیه تراکت، دعوت بافتاب و... از آنان استفاده نمایند. باید توجه کرد درین شکل کساز و بخصوص در وهله اول باید اصل استقلال و حتی پراکندگی هستهها بر تمرکز کامل آنها، ارجحیت داشته باشد. این امر بدلیل عدم توازن بین تجربه پلیس و تجربه تاکتیکی هستهها و امکان زیاد ضربه خوردن آنها در ابتدای کار توصیه میشود. مناسبت‌های صنفی یا سیاسی میتواند شامل کسب امتیازات مختلف دانشگاهی، اخراج کارگر و قطع مرگوتة نفوذ پلیس از دانشگاه، حمایت از زندانیان سیاسی، اعتراض بسلطه امپریالیسم و سرمایه داران خارجی و یادبود شهیدان پشیمانی از عملیات و نظرات سازمان‌های چریکی و مبارزات انقلابی و طبقات خلقی... بوده و متناسب با محتوی درخواست شکل مبارزه و اعتراض انتخاب شود.

۲- تعیین شعارهای متناسب و درخواستهای مشخص صنفی- سیاسی در مناسبتهای مختلف و گسترش و تکامل آنها در جریان اوچگیری مبارزه. این امر باید بر اساس درک عمومی ترین انگیزه‌های مبارزاتی دانشجویان و برآورد نیروهای فعال جنبش و ضد جنبش صورت گیرد. بطوریکه ارتقا مرتب شمارهای صنفی بشمارهای سیاسی مراحل کمی لازم خود را طی نماید. (نموزاندن مراحل)

۳- اتخاذ تاکتیکیهای مناسب حمله یا دفاع برای هر مورد مشخص از پیش یا در مواقع فوری حادث و بحرانی در این مورد باید علم عالیترین تعرض را باطن بهترین دفاع یا عقب نشینی توأم نمود. تاکتیک حمله و گریز و استفاده از سنگ و مویز در مواقع غضب یا کسود نیروهای پلیس، مسلماً نمیتواند در زمان هوشیاری و آماده باش کامل او در زمان برتری کامل و تسلط نیروهای او بکار رود. همچنین اعتصاب نشسته یا

این امر برای دانشجویان ما که مدت‌ها بعد از پایان تحصیلات، توسطه می‌توانند ارتباط خود را با مدارس متوسطه و دانش‌آموزان آن حفظ کنند بخوبی امکانپذیر است. تبلیغ سیاسی در میان آنها و متشکل کردن مبارزه آنها از طریق ایجاد هسته‌های مخفی - سیاسی می‌تواند مقدماتا مورد توجه قرار گیرد.

شعارهای مرحله‌ای

جنبش دانشجویی

اصلیترین شمارشانی که درین مرحله در مقابل جنبش دانشجویی ما قرار دارد کدام است؟ اینک ارگانهای پلیسی دانشگاه و در راس آن کارگردانان مزدور شهرتانی موسوم به "گارد دانشگاه" همان وظایفی را در مقابل دانشجویان بیساز و جنبش دانشجویی بعهده گرفته است که سیستم مفرط پلیسی ایران سالیان درازست در مقیاس بسیار وسیعتری در مقابل مبارزه برحق توده‌های زحمتکش و مردم زنجیربده ما اعمال میکند. در واقع همانگونه که جنبشهای مردمی و گروههای مبارز سیاسی تاکنون توسط نیروهای پلیسی بطور سیستماتیک مورد حمله و هجوم قرار گرفته‌اند، همانگونه که هرگونه تشکل سیاسی و حتی صنفی نیروهای خلقی جامعه، یعنی کارگران، دهقانان، معلمین، روشنفکران، بازاریبان، اصناف و پیشه‌وران یا عکس‌العمل و خستیان پلیس مواجه شده است و بالاخره همانگونه که پلیس ضد خلقی شاه خائن هرگونه تماس روشنفکران انقلابی با توده مردم و انتقال فرهنگ انقلابی و آگاهی سیاسی بدرون جنبش آنان را عملاً غیر ممکن ساخته است، اکنون "گارد دانشگاه" نیز بعنوان ضد خاص اعمال حاکمیت پلیسی در دانشگاهها وظیفه مسلط هرگونه آزادی دانشجویی، طلب هرگونه امکان تشکل صنفی سیاسی و وظیفه سرکوب خویش جنبش

نادرست است. بطوریکه تاکنونکسبای علمی مبارزه دانشجویان می‌تواند تا حد "تاکنیک چیرگی خیابانی پرتاب مولوتوف و عملیات دفعتی حمله و گریز" ... علیه پلیس تکامل یابد.

۴- انتقال فرهنگ انقلابی و تجربیات و دست‌آورد های نوین سیاسی - تشکیلاتی - نظامی جنبش مسلحانه همچون بالا بردن بینش سیاسی دانشجویان بطور منظم از طریق آشنا ساختن آنان به بدنه‌های مبارزه مسلحانه، عملیات و بدنه‌های سیاسی - نظامی این گروهها بوسیله پخش و تکثیر جزوات، نشریات اعلامیه‌ها و ... سازمانهای چریکی، پستاز و تهیه و نشر بیانیه‌های توضیحی - آموزشی راجع با اقدامات رژیم و افشای ماهیت فید خلقی او.

درین زمینه دانشجویان باید نسبت به ضرورت گذراندن یک دوره خود سازی، حرکت انگیز و شور و نشاط (آموزشهای فوق‌الذکر) و عبور از پراکنش لازم آن (تشریک در امتیازات و تنظیمات) در مقابل پلیس و ... پذیرش کار مخفی - سیاسی در نهان‌تایوتن سازمانهای چریکی پستاز متناسب با موضعی که اشغال خواهند کرد، آماده گردند.

۵- تهیه و پخش اعلامیه بنامتهای مختلف از جمله راجع بمسائل و خواستههای دانشجویی، یادبود شهدا پشتمانی از مبارزه انقلابی، اعلامیه‌های جنبشهای انقلابی سراسر جهان بخصوص مبارزات ضد امپریالیستی مردم منطقه ...

۶- شناساندن و مجازات خائنین، خبرچینها و مزدوران ساواک که رد پلانه خود را در صفوف شما جا زده‌اند. این امر باید بصورت سازمان یافته و با محاسبه دقیق صورت گیرد. در غیر اینصورت ممکن است رژیم بانها، مختلف از جمله بدنام کردن عناصر مبارز لبه نیز این حربه را بسمت جنبش برگرداند.

۷- سازمان دادن مبارزه دانش‌آموزان کمسور.

دانشجویی و ممانعت از انتقال آکادمی سیاسی و فرهنگی
 انتقادی در صفوف دانشجویی را بعهده گرفته است .
 بنابراین شماره:

" اخراج کامل کارمندان مزدور دانشگاهها "

شماره:

" قطع کامل هرگونه نفوذ پلیسی در دانشگاهها "

باید بمنوان اولین و مهمانی ترین

مضمون هر درخواست صنفی - سیاسی در دستمورد

مبارزات دانشجویی این مرحله قرار گیرد . این یک

شماره جداگانه است که با اوجگیری بیشتر مبارزات

دانشجویی تا همراهی و عملگامی کامل با جنبشهای

مردمی و با جنبش مسلحانه خلق مرتباً ارتقا

خواهد یافت .

دانشجویان و روشنفکران آگاه دانشگاهها !

وسیما در زیر پرچم " آزادی و استقلال سیاسی

و برنامه‌های دانشگاهها " با شماره:

" اخراج کامل کارمندان مزدور و قطع "

" هرگونه نفوذ پلیسی از دانشگاهها "

گردد آئید . صفوف

خود را فشرده تر نموده و مبارزات حق طلبانه خود را

با این شماره بمنوان مهمانی تیسرین حقوق حقه

خود شدت بخشید .

" سازمان مجاهدین خلق ایران "

اردیبهشت ۱۳۵۳



بهراج زادگان



سعید عسلی



مهدی رضائی

سه نفر از مبارزین رزمنده شهید سازمان مجاهدین خلق ایران